

تحلیل ساختاری و راهبردی نقش مدیریت محلی در تحقق مدیریت بهینه شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)

طیبه اسکندری شهرکی (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، دانشگاه پیام نور)

داوود مهدوی* (استادیار گروه جغرافیای دانشگاه پیام نور ، تهران، ایران)

چکیده

بررسی واقعیت های جهان امروز در عرصه ی مدیریت بر جوامع در سطوح مختلف بیانگر این است که علی رغم پیشرفت و توسعه ی جهانی، مشکلات هر روز بیش تر، تازه تر و پیچیده تر می شود و نا کارآمدی دولت ها برای مدیریت مستقیم و تمامیت خواهانه عیان تر می گردد. هم چنین عرصه برای ظهور و کارآمدی مدیریت محلی که از یک سو از مشارکت مردمی و ظرفیت های محلی، و از سوی دیگر از دانش نوین و فناوری های ارتباطی برخوردار است، بیش تر فراهم می شود. مشارکت مردم و استفاده از دانش بومی آن ها در مقوله مدیریت شهری با تشکیل مدیریت محلی و با رویکرد محله محوری امری ضروری است که در دهه های اخیر مورد توجه واقع شده است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی ظرفیت ها و پتانسیل های موجود در شهر شهرکرد جهت مشارکت شهروندان در مدیریت بهینه شهری برای دستیابی به این هدف با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی با تکمیل پرسشنامه به حجم نمونه ای برابر با ۱۰۰ نفر از کارشناسان و متخصصان در امور شهری پرداخته شد. نتایج تحلیل داده ها در محیط نرم افزاری SPSS بر روی متغیرهای وابسته و مستقل نشان داد که تشکیل مدیریت محلی می تواند نقش موثری در ایجاد مدیریت بهینه شهری ایفا نماید و همچنین نتایج تحقیق در قالب تحلیل SWOT نشان داد که موقعیت مدیریت شهری در شهرکرد از میان چهار حالت تهاجمی، محافظه کارانه، تدافعی و رقابتی در حالت تهاجمی قرار دارد. لذا با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق می توان گفت که مهم ترین الویت برای راهبرد تهاجمی، بکارگیری اصول و معیارهای مدیریت محلی برای هدایت و برآوردن نیازها و مطالبات شهروندی عنوان شد. در مجموع باید گفت برای داشتن و ایجاد مدیریت بهینه شهری در شهرکرد تشکیل مدیریت محلی تاثیر مطلوبی خواهد داشت که برای دستیابی به این امر نیازمند حداکثر استفاده از ظرفیت های موجود و بکارگیری حداکثری از مشارکت های مردم در محله های شهرکرد است.

واژگان کلیدی: مدیریت محلی، مدیریت شهری، مشارکت، تحلیل مسیر ، شهرکرد

ایمیل نویسنده مسئول: dmahdavi@pnu.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

ویژگی عصر ما شهرنشینی گسترده افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد در حالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی مر کرده است. طی دوره ۱۹۹۰ تا دوره ۲۰۳۰ جمعیت نواحی شهری حدود ۳/۳ درصد میلیارد نفر رشد خواهد کرد که از این میزان ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای در حال توسعه خواهند بود. همچنان که مهاجران در جستجوی کار و فرصت های بهتر یا فقط برای دستیابی به غذا و سرپناه به مهاجرت به شهرها ادامه می دهند ظرفیت زیرساخت های شهری اغلب تحت فشار قرار می گیرد و حتی کاهش می یابد وضع مسکن موجود بدتر و متراکم تر می شود فضاهای باز مورد تجاوز قرار می گیرند و... (موسوی کاظمی محمدی؛ ۱۳۸۰: ۹۶). این در حالی است که با بررسی ادبیات مدیریت شهری می توان گفت که امروزه الگوی اداره مردمی شهر، به عنوان فرایند مشارکتی تعریف می شود که به موجب آن همه بهره وران شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه ی مدنی و سالی را برای حل مشکلات شهری شدن سریع فراهم می کنند. در شرایط کشورهای در حال توسعه ی شهرنشینی سریع در تداوم مدیریت های سنتی شرایط نامساعدی رادرشهرها به وجود آورده که ضرورت تقویت حکومت های محلی و مشارکت مردم و بخش خصوصی رادر برنامه ریزی و مدیریت شهری اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین لازمه ی رفع ناپایداری توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه ریزی شهری و در واقع اثرپذیری، مسئولیت پذیری بیش تر در اداره امور شهری، تفویض وظایف و قدرت به حکومت های محلی و سایر ذی نفعان محلی است که تمام این ها به شیوه جدیدی از اداره شهرها به نام اداره مردمی شهر دلالت دارد. در این الگو، مدیریت شهری از بالا به پائین جای خود را به مدیریت شهری از پائین به بالا داده و در این راستا شهروندان در اداره امور شهری جزء جدایی ناپذیر آن است (لاله پور، ۱۳۸۶: ۷۰).

الگوهای مدیریت شهری در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است و هر کدام از این جوامع، با توجه به نوع حکومت سیاسی حاکم بر خود، نوعی از شیوه های مدیریت شهری را در دستور کار دارند. در این راستا نودرپور معتقد است که: « الگوی مدیریتی متمرکز، مختص کشورهای در حال توسعه و شیوه مدیریت غیرمتمرکز ویژه جوامع توسعه یافته است. این دسته بندی با توجه به میزان اختیارات مدیران محلی و میزان وظایف آنها در نظر گرفته شده است. در هر کدام از این الگوها، شهروندان دارای نقش های متفاوتی هستند.» بطوریکه:

- مدیریت شهری متمرکز: در این الگو، دولت های مرکزی مستقیماً در اداره شهر دخالت دارند و وظایفی را که جنبه محلی دارد و از جنس تصدی گری است، خود دولت ها انجام می دهند.»

● مدیریت شهری غیرمتمرکز: در الگوی مدیریتی غیرمتمرکز، دولت به جز سیاستگذاری و برنامه ریزی و اموری همچون دفاع از سرزمین و تأمین امنیت مردم، وظیفه ای در قبال محله ها و شهرهای کشور ندارد (لطیفی، ۱۳۸۷: ۷۵).

از این رو مدیران شهری معتقدند رویکرد محله گرایی و ناحیه گرایی در مدیریت شهر قادر خواهد بود بسیاری از مشکلات در اداره امور شهر را از پیش رو بردارد. با اعتقاد این دسته از کارشناسان وجود ساختار سلسه مراتبی مدیریتی و برنامه ریزی متمرکز و عدم اعتقاد به تقسیم کار در ستاد مرکزی شهرداری و وجود قوانین ومقررات دیوان سالار و غیر مشارکتی موجب شده تا از مشارکت مردم ساکن و ذی نفع در محلات در مدیریت شهر استفاده چندانی به عمل نیاید در صورتی که با تفویض اختیار به منطقه، ناحیه و محله راه حل بسیاری از مشکلات در همان سطح پیدا و ارائه خواهد شد (مشهدی وهمکاران، ۱۳۸۹)

افزون بر این لازم به ذکر است که مفهوم برنامه ریزی از پایین به بالا و به عبارتی از محله به سطوح کلان شهری به عنوان محله مبنا یا محله محور و واگذاری بخشی از مسؤولیت‌های شهری به مدیریت محله تغییراتی را در فضای زیست محله ایجاد می‌کند و زمینه مناسبی را برای بهبود فضای اجتماعی و فرهنگی محله فراهم می‌نماید. همچنین فرایند محله محوری و برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی از سوی نهادهای محله‌ای منتخب از یک سو مسؤولیت پذیری محله‌ای را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر ساکنین محله را نسبت به مسائل محله‌ای به خصوص مسائل اجتماعی و فرهنگی حساس تر از گذشته می‌کند، چرا که نقش آنها در شناسایی و رفع این مسائل بیشتر و مؤثر شده است. با شکل گیری چنین فضایی و ضرورت برنامه ریزی در سطح پایه‌ای ترین تقسیمات شهری یعنی محله نیازی به اطلاعات به روز از وضع موجود محله و وضع مطلوب محله، شناسایی و بررسی مسائل و مشکلات محله، نیازسنجی از مطلوب مردمی و نیازهای ضروری برای مدیریت محله، ارائه برنامه و راه کارهای کاربردی از سطح محله بیش از پیش احساس می‌شود (پیران، ۱۳۸۲: ۹۵). بر این مبنا می‌توان گفت که در جامعه امروز شهری برای دستیابی به توسعه پایدار شهری محلات بنیادی ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین مدیریت شهری و شهروندان است. چراکه از گذشته‌های دور محله‌های شهرها در شکل دهی و سازماندهی امور شهری جایگاه ویژه داشتند. هر محله با ارائه خدمات روزمره مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و نوعی هویت داشته باشند تا جایی که هر شهروند با نام محله‌ای که در آن می‌زیسته شناخته می‌شد. بر این اساس عالمان اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کنند که چگونه می‌توان نظم اجتماعی مطلوبی را برای به حداقل رساندن این مشکلات ساماندهی کرد. مسلم و بدیهی است که یکی از این راهکارها گسترش نظام مدیریت محلی و اندیشه محله گرایی و سازمان‌های محلی است. مدیریت محله می‌کوشد نوعی نظم اجتماعی برقرار سازد تا در سایه آن مناسبات اجتماعی تنظیم گردیده و امنیت اجتماعی، تفاهم و مشارکت مدنی تحقق یابد. به علاوه مشارکت

مدنی در سطح محله می‌تواند موجب وفاق اجتماعی گردیده و از بار مسؤولیت و تصدی گری دولت نیز بکاهد (جاجرمی، ۱۳۸۰: ۹۳).

این در حالی است که، بررسی‌های بعمل آمده در شهر شهرکرد از توابع استان چهارمحال و بختیاری نشان دهنده این واقعیت است که مدیریت شهری شهرکرد مدیریت متمرکز می‌باشد در این نوع مدیریت دولت مرکزی مستقیماً در اداره شهردار خالت دارند و وظایفی را که جنبه محلی دارد از جنس تصدی گری است خود دولت انجام می‌دهند. الگوی اداره این شهر نیز الگوی شورا-مدیرشهر می‌باشد که در این الگو مردم اعضای شورای شهر را انتخاب می‌کنند و اعضای شورای شهر مدیریت را برای اداره امور برمی‌گزینند در اینجا قدرت اصلی در اختیار اعضای شورای شهر است که در این صورت نیز نقش شهردار تشریفاتی و نظارت عالی است. افزون بر این مجموعه محلات شهرکرد را براساس شکل گیری آنها به بافت‌های کهن میانی و جدید می‌توان تقسیم کرد که در مجموع شامل بیست و یک محله می‌باشد که هیچکدام از آنها به شیوه مدیریت محلی اداره نمی‌شوند و بطور کلی با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان اذعان کرد که وضعیت مدیریت شهری در حال حاضر در شهر شهرکرد با مدیریت بهینه شهری محله محور فاصله بسیار زیادی دارد و در این راستا با چالشها و مسائل بسیار زیادی مواجه است. بنابراین به منظور رفع این چالش‌ها و تحقق مدیریت بهینه شهری محله محور شکل گرفته است و در این راستا ضمن ارزیابی وضعیت موجود مدیریت شهری در شهر شهرکرد به ارزیابی راهکارهایی جهت تحقق مدیریت بهینه شهری از طریق مدیریت محلی پرداخته است و از این طریق در پی پاسخگویی به سئوالات کلیدی زیر می‌باشد:

۱- آیا بکارگیری الگوی مدیریت محلی در شهر شهرکرد موجب ایجاد مدیریت بهینه شهری در این شهر می‌گردد؟

۲- میزان تاثیر هر یک از عوامل و شاخص‌های مدیریت محلی در مدیریت بهینه شهری تا چه اندازه است؟

۳- راهبرد مطلوب تحقق مدیریت بهینه شهری از طریق الگوی مدیریت محلی کدام راهبرد است؟ در عصر جدید پیشرفت روز افزون جوامع، مفهوم مشارکت را به تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی بسط داده است. مشارکت در جامعه باز براساس تصمیمات شخصی، آگاهانه و داوطلبانه صورت می‌گیرد (پوپر، ۱۳۶۹: ۱۰۲). علی‌رغم وجود اندیشه مشارکت، این مساله هنوز بروز و ظهور پیدا نکرده است. مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت زندگی فردی درآمده و با احساس مسؤولیت جمعی به شهروند تبدیل شوند (پیران، ۱۳۷۴: ۱۳۲). مساله اصلی این است که مدیریت شهری در ایران، فاقد الگوی نهادی برنامه ریزی شهری مبتنی بر مشارکت شهروندان است مدیریت شهری در ایران مشارکت شهروندان را به عنوان تهدیدی برای قدرت خود تلقی می‌کند و آن را بر نمی‌تابد. مشارکت عمدتاً توده‌ای، دست و پاگیر، بی‌نظم و فاقد

انسجام بوده و امری سمبلیک، شعاری و نمادین بدل است (پیروز، ۱۳۷۱: ۱۰۴). همان گونه که بحث شد مدیریت شهری در ایران وبه ویژه شهرهای کوچک عمدتاً متمرکز بوده و سطوح مدیریتی شهر به نظرخواهی از مردم در اجرای امور، مشارکت‌ها عمدتاً توده‌ای، فاقد انسجام و دارای نقش نمادین است بنابراین پرداختن به مدیریت‌های محلی هدفمند در جهت بهبود امور شهری تا اندازه‌ای به رویکرد مدیران شهری بستگی دارد امروزه در سطح جهانی رویکرد مدیریت محلی در برنامه‌های مدیریت شهری تقویت شده است بنابراین موفقیت مدیریت‌های شهری در گرو حرکت از مشارکت صوری، به سمت مشارکت واقعی و هدفمند است.

پیشینه تحقیق

بررسی اجمالی پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت محلی موید آن است که مدیریت محلی به ویژه مشارکت‌های مردمی در مدیریت شهری و اهمیت آن تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به طور مختصر به برخی از آنها اشاره شده است:

برایان مک لالین (۱۹۷۰) یکی از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری از حیطة اداره شهر را انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر نوعی فرآیند است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در برمیگیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن و مک کینلی نیز پس از او این مباحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را در برمی‌گیرد (UN، ۲۰۰۰: ۱).

ترنر و پارت مولفه‌های اصلی اداره مردمی شهر را موارد زیر دانسته‌اند، مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخ‌گویی و در واقع اصل اساسی اداره مردمی شهر و تحقق آن را مشارکت شهروندان می‌دانند (روس مرسیدیک، ۲۰۰۰: ۱۰). در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲). در این راستا کسانی مثل؛ روسی (۲۰۰۶)، اسمیت (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۶) در تحقیقات خود نشان دادند که برای افزایش مشارکت شهروندان در اداره یا امور مختلف، وجود اعتماد الزامی است. به عبارتی در هزاره‌ی جدید که اندیشه‌های پست مدرنیستی مجال بروز یافته‌اند، مواردی چون اعتماد نهادی، رضایتمندی اجتماعی رضایتمندی بهداشتی و مفاهیم انسان‌گرایانه دیگری تحت عنوان رقاء اجتماعی آمده‌اند (گریدنس، ۲۰۰۶) و (بنت، ۲۰۰۴).

اولیور راجر و همکاران (۲۰۰۹): در مقاله‌ای با عنوان طراحی محله و احساس جامعه مقایسه محله‌های حومه‌در هوستون تگزاس پس از بررسی تاثیر طراحی محله در حس اجتماعی در ایالات متحده، به دنبال درک بهتر از ارتباط میان طراحی محله و احساس جامعه با مقایسه چهار محله در حومه شهری هوستون در ایالات تگزاس با تجزیه و تحلیل نظر سنجی از ۲۱۰ نفر از ساکنان در این چهار محله نشان دادند که محله‌های طراحی

شده، دارای حس بیشتری نسبت به محله های حومه معمولی برخوردارند. با این حال، سازوکارهای جدید انجام شده در طراحی محله های جدید، حس و تاثیر قابل توجهی میان ساکنان محله ها ایجاد کرده است (الیور رایجرز و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۲۵).

هرسپرگر (۲۰۰۶)، در مقاله با عنوان محله به عنوان یک واحد برای مطالعه برنامه ریزی و مدیریت پیکربندی فضایی، محله را دستاوردی از عناصر و چشم انداز محلی می داند با هم تعامل قوی برقرار کرده اند. جنبه های از مفهوم حیاتی محله عبارتند از: مجاورت، ماتریس الگو، بنابراین مفهوم فضایی محله ابزاری برای تجزیه و تحلیل و همچنین به عنوان یک مفهوم طراحی چشم اندازهای زیست محیطی در برنامه ریزی شهری مطرح است (هرسپرگر، ۲۰۰۶: ۲۲۷).

محمد باقر علیزاده و همکاران (سال ۱۳۹۲) در مقاله نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری به بررسی تاثیر مشارکت شهروندان در امور شهری شهر اصفهان پرداخته و با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در هفت منطقه این شهر نمونه گیری انجام داده و با نرم افزار SPSS به این نتایج رسیده که شهروندان اصفهانی مشارکت بالایی در امور شهری داشته اند و رابطه معناداری، بین اعتماد نهادی و رضامندی اجتماعی با مشارکت وجود دارد و عملکرد نهادهای شهری بر مشارکت تاثیر گذار بوده است.

بهرام رضوی الهاشم و دکتر میثم موسایی (سال ۱۳۸۸) در مقاله تحلیل (SWOT) مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه ریزی مدیریت شهری به بررسی شهر تهران باروش کیفی پرداخته و در این پژوهش نقاط، ضعف و قوت، فرصت ها و تهدیدها مشارکت شهروندان در طراحی و برنامه های شهری بررسی نموده و عمده مشکلات شهر تهران را مربوط به حفاظت و نگهداری از طرح ها و برنامه های اجرا شده دانسته که با جلب مشارکت زنان، جوانان و بازنشستگان در حوزه های مدیریتی، قانونی و فضای کالبدی می تواند کارایی اثربخش و بهره وری برنامه های مدیریت شهر را تقویت کند.

دکتر اسماعیل شیعیه (سال ۱۳۸۲) در مقاله لزوم تحول مدیریت شهری در ایران ابتدابه مشکلات شهرهای امروزی ایران و تنگناهای موجود پرداخته و سپس با بررسی مبانی نظری در عرصه های شهرسازی و مدیریت شهری اهداف مدیریت شهری در دنیای امروز را مورد بررسی قرار داده و باختصار مشکلات امروز مدیریت شهری در ایران را بررسی کرده و در نهایت مشکلات با مبانی نظری اصول مدیریت شهری و نحوه کار شهرداری کشورهای صنعتی را مقایسه نموده و در نتیجه ضمن تاکید بر تخصصی کردن مدیریت شهری و تحولاتی که در این عرصه باید معمول گردد به لزوم تحول در قوانین و تشکیلات مدیریت شهری به منظور بهبود ساختار شهرها اشاره و پیشنهاد به مدیریت در لوای قانون می دهد.

رفعیان و همکاران (۱۳۸۶): محققان در بررسی خود با عنوان ادراک ذهنی ساکنین محله از فرایند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا-تهران) با استفاده تکنیک مصاحبه عمیق و استفاده از گروه های کانونی در یک

محل نمونه شهری که دارای پیشینه قوی تاریخی و شبکه های اجتماعی قوی در گذشته بوده است، نشان دادند که در کنار عدم توجه و یا تضعیف فرهنگ مشارکت در میان مردم محله، یکی از دلایل اصلی عدم وجود روابط اجتماعی در میان ساکنان محلات، عدم وجود فضاهای محلی و اجتماعی است که از طریق آن بتوان زمینه ایجاد تعاملات و شبکه قوی و انگیزه لازم در ساکنین محلی، برای مشارکت در طرح های محلی را ایجاد نمود. بنابراین ایجاد و طراحی فضاهای عمومی اجتماعی شهری در مقیاس محلات می تواند زمینه ای برای تشویق به مشارکت فعال تر مردم در برنامه های توسعه محلی باشد.

کلدی در سال ۱۳۸۷ با عنوان بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری که بر روی نمونه ۳۷۰ نفری از ساکنان منطقه ۷ شهرداری تهران صورت گرفته است نشان می دهد در مجموع مشارکت زنان بیشتر از مردان، افراد جوان بیشتر از افراد مسن، مجردین بیشتر از متاهلین و ساکنین قدیمی محله بیشتر از تازه واردین است. سایر نتایج تحقیق مذکور نیز حاکی از آن است که میزان رضایت پاسخگویان از خدمات شهری و نیز میزان تعلق اجتماعی آنان در حد ضعیف است.

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (۱۳۸۲) بر بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری منطقه ۱۷ شهرداری، تحقیق دیگری است که با هدف اصلی دستیابی به شناخت بیشتر در زمینه مشارکت شهروندان در اداره شهر انجام شده و اهداف فرعی ذیل از آن قابل نتیجه گیری است: ۱- بررسی میزان تمایل شهروندان منطقه ۱۷ به مشارکت در اداره امور شهری در منطقه خود. ۲- بررسی زمینه های فرهنگی و هنجاری مشارکت. - بررسی میزان امکان پذیری مشارکت در امور منطقه. ۳- ارائه الگوی مناسب جهت مشارکت شهروندان. (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، ۱۳۸۲)

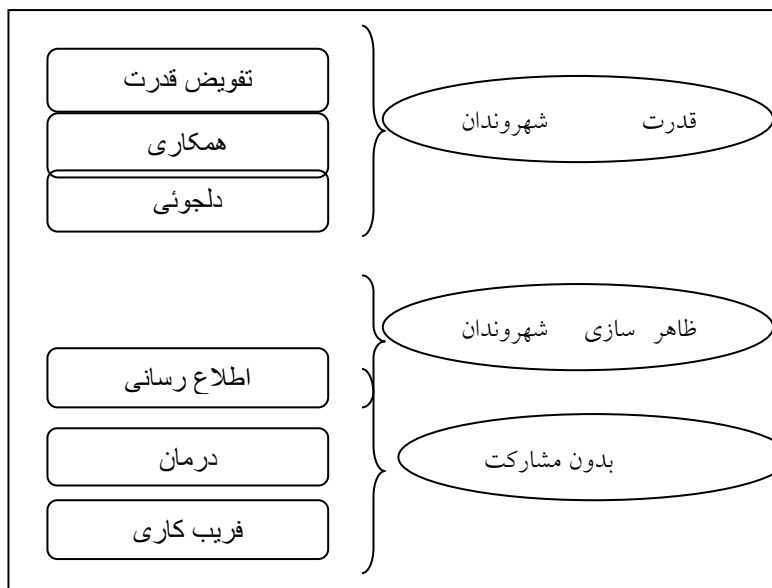
مبانی نظری

با توجه به رشد روز افزون جمعیت شهری در دهه های اخیر و متعاقب آن مشکلات و مسائلی که این انبوهی جمعیت بوجود آورده است مدیران جامعه را بر آن داشته است تا با سیاست ها و خط مشی های گوناگون با این بحران مقابله نمایند. (دادرس، ۱۳۹۰: ۳۶). در این میان وضعیت مدیریت محلی در جهان و به ویژه در کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که هنگامی مدیریت محلی در قالب حکمرانی خوب در جهان مدرن موفق هستند که با مطالعه، درک درست از واقعیت و با تاسی از نگرش سیستمی، هم چنین متناسب با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن جامعه ایجاد شوند. بررسی واقعیت های جهان در عرصه ی مدیریت بر جوامع در سطوح مختلف بیانگر این است که علیرغم پیشرفت و توسعه ی جهانی، مشکلات هر روز بیش تر، تازه تر و پیچیده تر می شود و نا کارآمدی دولت ها برای مدیریت مستقیم و تمامیت خواهانه عیان تر می گردد. هم چنین عرصه برای ظهور و کارآمدی مدیریت محلی که از یک سو از مشارکت مردمی و ظرفیت های محلی، و از سوی دیگر از دانش نوین و

فناوری های ارتباطی برخوردار است، بیش تر فراهم می شود (مهاجری، ۱۳۸۹: ۳۴). در این رایتا بایستی اذعان کرد که مدیریت شهری نیز پدیده ای است که ماهیتا نزدیکی زیادی با دموکراسی و دخالت فعال شهروندان در اداره امور مربوط به خود دارد، این مهم به جامعه ای پویا نیاز دارد. در چنین جامعه ای مدیران شهری نمایندگان شهروندان به حساب آمده و برای جلب رضایت آنان ناچار به پاسخ گویی اند (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۷). بنابر این با جلب مشارکت شهروندان در سطح محلی، مدیریت شهری می تواند از پتانسیل ها و توانمندی های تمامی شهروندان در شکلی بهینه بهره برده و ضمن ایجاد مدیریت های محلی زمینه توسعه در بسیاری از محورهای مدیریت بهینه شهری را فراهم آورد (خورشیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷۲).

مشارکت مردم یکی از بهترین روش ها برای انتقال خواسته های سطح محلی به برنامه ریزان و مدیران شهری است. از دیدگاه ارنشتاین مشارکت دارای سطوح متفاوتی است. این سطح از بی قدرتی محض شهروندی تا کنترل شهروندی ادامه دارد. او مشارکت شهروند را به پلکانی توصیف کرده است که از بی قدرتی شهروند شروع شده تا اختیار و قدرت تفویض شده شهروندی کشیده می شود. ارنشتاین سعی کرده مفهوم مشارکت را با استفاده از استعاره «تردبان مشارکت شهروندی» روشن سازد. (نمودار شماره ۱-۲)

شکل شماره (۱): زبان مشارکت پیشنهادی ارنشتاین



ماخذ: Arnstein، ۱۹۶۹

افزون بر این حکومت محلی نیز شامل مدیریت امور عمومی هر محله بوسیله یک هیات اجرایی از نمایندگان مردم محله است. چنین موجودیتی اگرچه در بسیاری از موارد تابع حکومت مرکزی است، ولی از قدرت تصمیم گیری قابل ملاحظه ای برخوردار است؛ (مقیمی، ۱۳۸۶: ۳۹) و از آنجا که حکومت محلی به تقسیم بندی سیاسی یک

کشور و یا یک ایالت (در سیستم فدرال) اشاره دارد که بوسیله قانون ایجاد شده و کنترل اساسی امور محلی همچون قدرت وضع مالیات را در دست دارد و هیات اداره کننده چنین موجودیتی به صورت محلی می گردد. حکومت محلی نهادی قدیمی با نهادی جدید است که ریشه در تاریخ گذشته بشر دارد و در زمان های دور با مطرح شدن مدیریت اجتماعات بشری پا به عرصه هستی گذاشته است. به گونه ای که انسان ذاتا و فطرتا خواهان مشارکت در سرنوشت و اداره امور مربوط به خود است که تقریبا تمامی وظایف دولت را در گستره ای محدودتر انجام می دهد. حکومت محلی از نظر مفهومی چند بعدی است و به عنوان مینیاتوری از حکومت سیاسی جامعه مطرح است (مقیمی، ۱۳۹۰: ۶۲). صاحب نظران بر این باورند که سه الگوی اساسی حکومت محلی از فرهنگ غربی ظهور کرده است که عبارتند از: الگوی انگلیسی، الگوی فرانسوی و الگوی روسی (علی اکبرخان و مطلب، ۱۹۸۲: ۶۲). اما به نظر می رسد که می بایست الگوی دیگری را که عبارتست از الگوی امریکایی به این سه الگو اضافه نمود. بنابراین چهار الگوی کلی حکومت محلی در دنیا عبارتند از:

۱. الگوی انگلیسی: بیشتر کشورهای انگلیسی زبان، کشورهای جنوب آسیا، استرالیا، آمریکای شمالی و آفریقا از جمله کشورهایی هستند که از این الگو پیروی می کنند. ویژگیهای الگوی انگلیسی عبارتند از: ۱- تمرکززدایی؛ ۲- غالب بودن قوه قانونگذاری؛ ۳- سیستم کمیته ای؛ ۴- فعالیتهای چند هدفه؛ ۵- مشارکت داوطلبانه شهروندان.

۲. الگوی فرانسوی: این الگو در بخشی از اروپای غربی، غرب آسیا، آفریقای شمالی و آمریکای جنوبی و بطور مشخص در کشورهای بلژیک، ایتالیا، آلمان و تاحدی ژاپن نفوذ کرده است. مشخصه های این الگو عبارتند از: ۱- تمرکز گرایی؛ ۲- سلسله مراتب فرماندهی؛

ساختار سلسله مراتبی؛ ۳- غالب بودن قوه مجریه؛ ۴- پیرو بودن قوه مقننه.

۳. الگوی روسی: این الگو، بیشتر به عنوان مدلی برای کشورهای اروپای شرقی و سایر کشورهای سوسیالیست دنیا مورد استفاده قرار می گیرد که با فروپاشی شوروی، اهمیت اولیه خود را از دست داده است. ویژگیهای این مدل عبارتند از: ۱- کنترل حزب کمونیست تحت اصل دموکراتیک متمرکز؛ ۲- انتخابات تک کاندیدایی؛ ۳- سلسله مراتب فرماندهی؛ ۴- حیطه گسترده قدرت محلی برای شوراها.

۴. الگوی امریکایی: سیستم حکومت محلی در آمریکا، در یک چارچوب سیاسی کاملا متفاوت از الگوهای متداول در بریتانیا (انگلستان) و فرانسه عمل می کند که ویژگیهای آن عبارتند از: ۱- تمرکز زدایی افراطی و عملی تر؛ ۲- تنوع انواع و اشکال حکومت محلی؛

حیطه گسترده وظایف حکومتهای محلی (همان منبع: ۲۰۸).

مدیریت محلی با محوریت شوراها محصول شرایط مدرن است، چراکه شرح وظایف و ماموریتهای شوراها و مدیریت محلی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و مدیریتی و در قلمروهای محلی (روستا، محل، شهر، بخش، شهرستان و استان) در مجموعه فعالیتهای حکومتی برای کاستن از حجم وظایف دولت های مرکزی

است (کاستن از فربهی دولت با اصل تمرکزگرایی). در جهان امروزی با افزایش خواسته های مردم از دولت، حکومت ها و دولت های متمرکز به این نتیجه رسیدند که توان انجام همه ی وظایف و امور ملی و محلی را ندارند و بنابراین بسیاری از ماموریت خود را که معطوف به برآوردن نیازهای معیشتی و زندگی شهروندان است، به مدیریت های محلی می باید تفویض کنند تا مدیریت های محلی با استفاده از ظرفیت ها و توانمندی ها، نیازها و از همه مهم تر متناسب با ساختارهای جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و بنا به مقتضیات محلی بتوانند پاسخ گوی مطالبات شهروندی شوند. از این رو شوراها و مدیریت محلی از یک سو برآمده از حکومت ها، و از سوی دیگر متأثر از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر مرحله هستند. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

مساله اصلی این است که مدیریت شهری در ایران، فاقد الگوی نهادی برنامه ریزی شهری مبتنی بر مشارکت شهروندان است. مدیریت شهری در ایران مشارکت شهروندان را به عنوان تهدیدی برای قدرت خود تلقی می کند و آن را بر نمی تابد. مشارکت عمدتاً توده ای، دست و پاگیر، بی نظم و فاقد انسجام بوده و امری سمبلیک، شعاری و نمادین بدل است. (پیروز، ۱۳۷۱: ۱۰۴) بی شک نمی توان مشکلات شهرها را با پنج نفر، نه نفر، پانزده نفر و حتی سی نفر عضو شورای شهر شناسایی و حل کرد و احیای مدیریت محلات تحت هر عنوان و به خصوص عنوان مصطلح امروزی یعنی شورایاران که امین مردم محلات و مناطق هستند راهگشای حل مشکلات خواهد بود. رسالت و هدف از راه اندازی دوباره چنین تشکل و نهادی مبنی بر ضرورت پیدایش آن نوعی حلقه واسطه یا به عبارتی احیای حلقه مفقوده ای میان ساکنین و اجتماعات محلی و نهادهای مردمی و خرد با نهادها و سازمان های دولتی است. لذا بازشناسی معنا و مفهوم و فلسفه و ضرورت این نهاد و یافتن علل اصلی نقصان کارکردی آن و ارائه راهکارهای کلی جهت رفع این چالش امری ضروری است. اهمیت به هویت شهری با باز آفرینی هویت محله ای می تواند گام مؤثری در رفع مشکلات شهری باشد (سند چشم انداز توسعه شهری شهرکرد ۱۳۸۵). همان گونه که بحث شد مدیریت شهری در ایران و به ویژه شهرهای کوچک عمدتاً متمرکز بوده و سطوح مدیریتی شهر به نظرخواهی از مردم در اجرای امور، مشارکت ها عمدتاً توده ای، فاقد انسجام و دارای نقش نمادین است بنابراین پرداختن به مدیریت های محلی هدفمند در جهت بهبود امور شهری تا اندازه ای به رویکرد مدیران شهری بستگی دارد امروزه در سطح جهانی رویکرد مدیریت محلی در برنامه های مدیریت شهری تقویت شده است بنابراین موفقیت مدیریت های شهری در گرو حرکت از مشارکت صوری، به سمت مشارکت واقعی و هدفمند است.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق در این مقاله با توجه به سوالات، اهداف و فرضیات تحقیق از، در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر پیمایشی استفاده شده است که در ابتدا به توصیف ویژگی ها و خصوصیات متغیرهای مورد نظر از جامعه آماری تحقیق پرداخته شده است و سپس برای تبیین متغیرها از شیوه های تحلیلی استفاده شده

است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایشی با مراجعه مستقیم و حضوری به جامعه آماری تحقیق به بررسی متغیرهای مورد مطالعه پرداخته شده و عقاید و نگرش‌های افراد و متخصصان در خصوص موضوع مورد مطالعه اخذ شده است و مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. در این پژوهش داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز هم از فضای واقعی وهم از فضای مجازی برداشت گردیده است. روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. که در روش کتابخانه‌ای با استفاده از متن خوانی و فیش برداری و آمار خوانی و در روش میدانی از طریق مصاحبه و تکمیل پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز گردآوری گردیده است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه مدیران و مسئولان حوزه شهری شهرکرد از جمله شهرداری و سازمانهای زیر نظر آن، شورای اسلامی شهر تعدادی از پرسنل شهرداری، برخی از سازمانهای شهرداری، فرمانداری، استانداری سازمان آب و فاضلاب، اداره گاز و برق می باشد که به روش نمونه برداری از جامعه آماری تصادفی است. و باتوجه به اینکه جامعه آماری کلیه کارشناسان و مدیران شهری مرتبط بوده است و مطابق برآورد انجام شده شامل تعداد ۱۱۰ نفر می باشند. لذا با استفاده از استراتژی نمونه گیری تمام شماری کلیه تعداد ۱۱۰ نفر بعنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شدند و بر این مبنا نیز تعداد ۱۱۰ پرسشنامه تهیه و توزیع شد و پس از تکمیل گردآوری شدند.

جدول شماره (۱): تعداد و توزیع حجم جامعه و نمونه آماری تحقیق

نام اداره	تعداد پرسشنامه
شهرداری	واحد شهرسازی ۱۸
	سازمان تاکسیرانی ۵
	سازمان رفاهی تفریحی
	شهرداریهای منطقه یک و دو ۲۳
	واحد خدمات شهری ۱۲
شورای اسلامی شهر	۵
فرمانداری	۱۰
استانداری	۱۰
اداره آب و فاضلاب	۱۰
اداره برق	۱۰
اداره گاز	۱۰

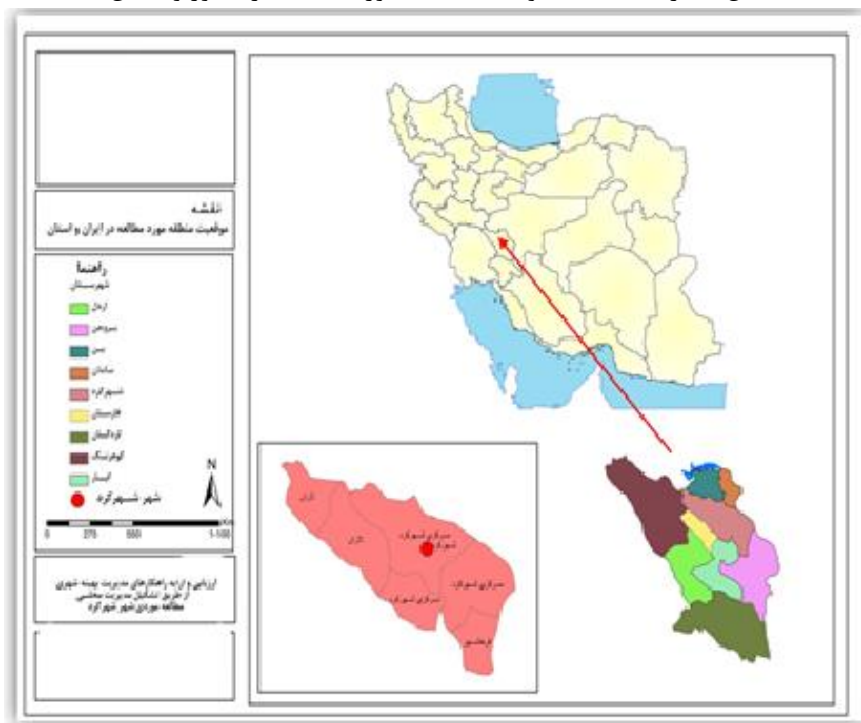
ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به محاسبات انجام گرفته و آزمون آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا ۰.۸۴۱. به دست آمد که نشان داد که پرسش نامه تحقیق از پایایی بسیار بالایی برخوردار می باشد.

معرفی اجمالی محدوده پژوهش

شهر شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غرب شهر اصفهان و در ارتفاع ۲۲۰۰ متری واقع شده است. از نظر موقعیت جغرافیایی شهر شهرکرد در طول شرقی ۵۰ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه و عرض شمالی ۳۲ درجه و ۱۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۲۰ دقیقه واقع شده است. (طرح جامع شهرکرد ۱۳۸۲: ۲۳). ارتفاع تأثیر زیادی بر روی اقلیم و آب و هوای این شهر می گذرد بطوری که شهرکرد با دیگر مناطق هم عرض خود از نظر اقلیمی تفاوت چشمگیری دارد (برای مثال در سمت شرق با میبد و در سمت غرب با دزفول هم عرض می باشد) به عبارت دیگر می توان چنین بیان نمود که در ارتفاع باعث کاهش تأثیر عرض جغرافیایی در این شهر که بر روی دشت واقع شده می شود. دشت شهرکرد بصورت باریکه ای در جهت شرقی - غربی و همچنین شمال غرب - جنوب شرق گسترش یافته است و نقاطی مانند فرخشهر، شهر کیان، چالستر و غیره را نیز در خود جای داده است.

شکل شماره (۱): نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور و استان



تهیه و ترسیم : مولفین

ساختار مدیریت شهری در شهر کرد، ساختاری چند پاره و به صورت بخش های مجزا است که تنها بخشی از آن را شورای اسلامی شهر و شهرداری تشکیل می دهد، اما بخش مهمی نیز در اختیار سازمان ها و نهادهای دولتی دیگر است. هریک از این سازمانها و ادارات، اداره امور شهر بر اساس وظایف بخشی خود و با حداقل هماهنگی افقی با سایر سازمان ها به خصوص شهرداری به ارائه خدمات و امکانات در شهر می پردازد. با توجه به این ساختار پراکنده مدیریت شهری و تعدد مدیریت در سطح شهر، می توان گفت که شهرداری و شورای شهر تنها بخشی از ساختار پراکنده را در اختیار دارند. در این میان شهرداری و شورای شهر به عنوان نهادی که تمام اختیارات، ابزارها و امکانات شهری را در اختیار ندارند، تنها یک نهاد غیردولتی و غیرحکومتی که مشروعیت خود را از مردم می گسرد، می تواند تمام دستگاه های دخیل در امر اداره شهر را دور یک میز جمع و آن ها را با یکدیگر هماهنگ کند به طوری که صاحب نظران امور شهری و مسئولین شهر شهر کرد معتقد بوده اند. وجود مدیریت یکپارچه در شهر می تواند به هماهنگی سازمان های مختلف امور شهری با شهرداری در زمینه ارائه خدمات در شهر بپردازد.

یافته های تحقیق

نتایج توصیفی به دست آمده، در ارتباط با خصوصیات جمعیت شناختی پاسخگویان در بخش آماری، نشان می دهد، ۳۶.۱ درصد شرکت کنندگان در تحقیق مرد و ۶۳.۹ درصد زن هستند. همچنین بیشتر فراوانی از کل پاسخگویان، نزد افراد با تحصیلات لیسانی با ۶۶ درصد و کمترین فراوانی از کل نزد افراد با تحصیلات دیپلم است. همچنین سن پاسخگویان بیشتر بین ۲۵-۳۵ سال با درصد فراوانی ۶۸.۷ درصد می باشد.

الف) تبیین تاثیر مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری در شهر شهر کرد

به منظور تبیین تاثیر مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری در شهر شهر کرد در ابتدا با استفاده از مبانی نظری تحقیق شاخص های مدیریت محلی استخراج گردید که شامل مشارکت مردم، تقویت اعتماد و همبستگی بین مردم و مسئولان، تمرکز زدایی از تصمیم گیری، توزیع قدرت، ایجاد یکپارچگی در اداره شهر (مدیریت واحد شهری)، خدمات رسانی مطلوب تر و سریع تر، توسعه کالبدی-فیزیکی شهر، کاهش هزینه های شهرداری، افزایش فرصت های سرمایه گذاری می باشند. سپس با استفاده از پرسشنامه و تدوین گویه های مختلفی برای هر شاخص و تکمیل پرسشنامه از خبرگان و متخصصان مدیریت شهری به بررسی و تبیین تاثیر مدیریت محلی بر تحقق مدیریت بهینه شهری پرداخته شده است. لازم ذکر است که جهت آزمون فرضیه اول از آزمون های آماری T-TEST و روش تحلیل مسیر استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون T (جدول ۲۹-۴) مقدار میانگین به دست آمده کلیه شاخص ها از نظر پاسخگویان بالاتر از حد متوسط (۳) بوده است. این مساله نشان دهنده این موضوع می باشد که از نظر پاسخگویان کلیه شاخص های مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری موثر و مطلوب می باشند.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون T در خصوص تاثیر شاخص های مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری در شهر شهرکرد

شاخص‌ها	ارزش حد متوسط	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	آمار آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت‌ها میانگین تفاوت‌ها	تفاوت در سطح ۹۵٪ فاصله اطمینان	
										پایین‌ترین	بالا‌ترین
افزایش مشارکت مردم	۳	۱۰	۳۰۳	۱۰۴	۳۳	۱۰۲۰۹	۹۹	.۰۰۰	۳۰۴۵	۳۰۳۶	۳۰۵۳
تقویت اعتماد و همبستگی بین مردم و مسئولان	۳	۱۰	۳۰۵۶	۱۱۰	۳۳	۱۰۲۰۹	۹۹	.۰۰۰	۳۰۵۶	۳۰۴۷	۳۰۶۵
تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری	۳	۱۰	۳۰۰۹	۱۹۴	۲۴	۱۲۵۰۹	۹۹	.۰۰۰	۳۰۰۹	۳۰۰۳	۳۰۱۵
توزیع قدرت	۳	۱۰	۳۰۰۸	۳۹	۳۶	۸۴۰۸	۹۹	.۰۰۰	۳۰۰۸	۲۰۹۹	۳۰۱۸
ایجاد یکپارچگی در اداره شهر	۳	۱۰	۳۰۴۲	۲۸	۵۱	۶۸۰۶	۹۹	.۰۰۰	۳۰۵۳	۳۰۳۹	۳۰۶۶
خدمات رسانی مطلوب و سریعتر	۳	۱۰	۳۰۴۴	۳۴	۵۲	۶۵۰۶	۹۹	.۰۰۰	۳۰۴۴	۳۰۳۰	۳۰۵۸
توسعه کالبدی فیزیکی شهر	۳	۱۰	۳۰۷۲	۷۴	۶۴	۵۸۰۱۰۹	۹۹	.۰۰۰	۳۰۷۲	۳۰۵۵۱۷	۳۰۸۹۳۴
کاهش هزینه های شهرداری	۳	۱۰	۳۰۵۱	۳۹	۳۶	۹۶۰۵۳۸	۹۹	.۰۰۰	۳۰۵۱	۳۰۴۱۹۶	۳۰۶۰۹۷
افزایش فرصت های سرمایه گذاری	۳	۱۰	۳۰۵۲	۵۰	۲۹	۱۲۱۰۲۸	۹۹	.۰۰۰	۳۰۵۲	۳۰۴۴۶۱	۳۰۵۹۷۷
مدیریت محلی	۳	۱۰	۲۰۶۷	۱۱۶	۲۶	۱۰۲۰۳۰	۹۹	.۰۰۰	۲۰۶۷	۲۰۶۰۸۱	۲۰۷۴۴۷

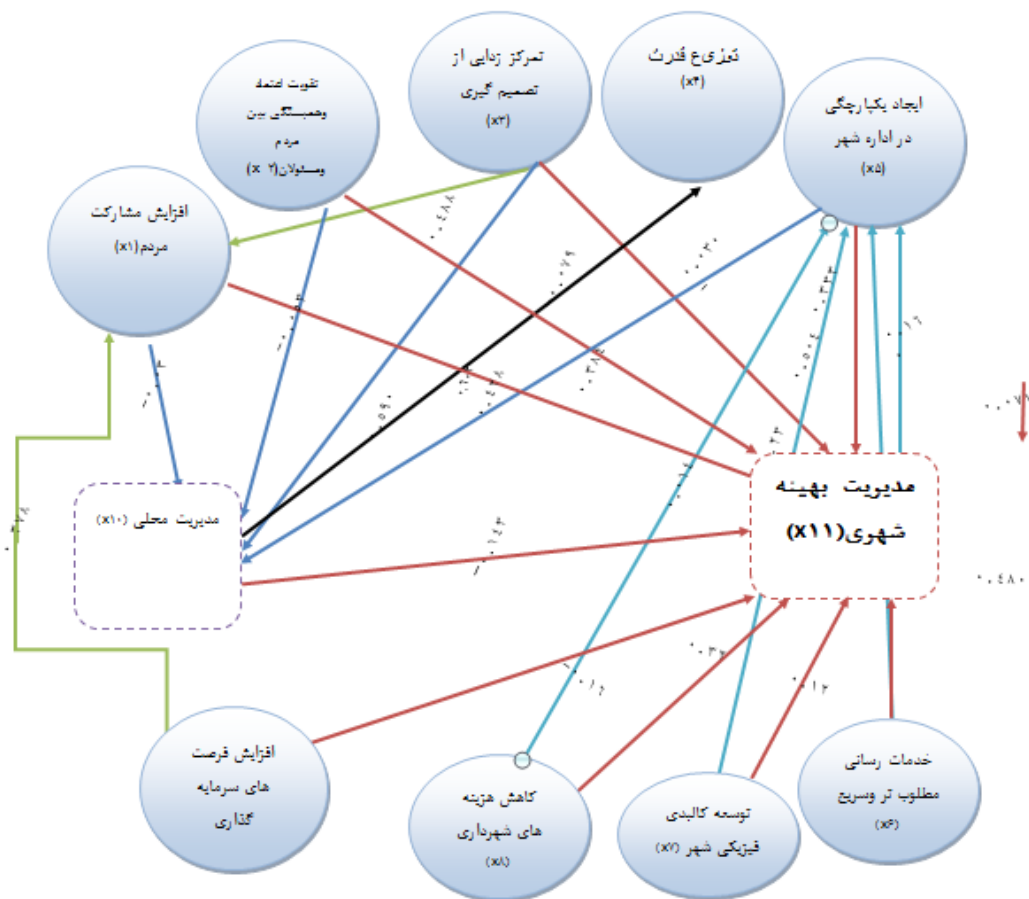
ماخذ: یافته های تحقیق

در این بین شاخص توسعه کالبدی-فیزیکی شهر در بین سایر شاخص‌های دارای مطلوب‌ترین شرایط از نظر پاسخ‌دهندگان بوده است و شاخص‌های ایجاد یکپارچگی در اداره شهر، تقویت اعتماد و همبستگی بین مردم و مسئولان، کاهش هزینه های شهرداری، افزایش فرصت های سرمایه گذاری، خدمات رسانی مطلوب تر و سریع تر، افزایش مشارکت مردم، توزیع قدرت، تمرکز زدایی از تصمیم‌گیری، مدیریت محلی به ترتیب در رتبه بعدی قرار دارند.

در نهایت اینکه با توجه نتایج حاصله از آزمون فرضیه اول تحقیق که هدف آن شناخت و تبیین تاثیر مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری در شهر شهرکرد است، از آزمون t جهت تبیین تاثیر و شدت آن استفاده شده است. یافته‌های حاصل از تحقیق (جدول ۲) نشان داد که تاثیر بالایی مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری دارد. همچنین سطح معناداری بین کلیه شاخص‌های مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری کمتر از $0/05$ (آلفا کوچک‌تر از $0/05$) بود که نشان دهنده تاثیر قوی، مثبت و مستقیم متغیر مستقل و بر متغیر وابسته می باشد.

ب) تبیین میزان تاثیر عوامل و شاخص‌های مدیریت محلی در مدیریت بهینه شهری از روش تحلیل مسیر افزون بر این به منظور تبیین میزان تاثیر عوامل و شاخص‌های مدیریت محلی در مدیریت بهینه شهری از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. لذا در این مرحله از تحقیق به منظور تبیین میزان تاثیر عوامل و شاخص‌های مدیریت محلی در مدیریت بهینه شهری در ابتدا دیاگرام مسیر متغیر مستقل شامل شاخص‌های مدیریت محلی و نیز و متغیر وابسته یعنی مدیریت بهینه شهری ترسیم گردید و سپس در گام‌های بعدی به تحلیل مسیر و تبیین میزان تاثیر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از عوامل مورد مطالعه پرداخته شده و پس از آن که ضرایب مسیر برای کلیه مسیرهای تفکی بدست آمد، می توان از طریق ترکیب نمودارها، اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته اصلی بدست آورد. ضرایب بدست آمده برای کلیه مسیرها در شکل زیر ارائه شده است.

شکل شماره (۲): نتایج نهایی تحلیل مسیر برای کلیه مسیر، همراه با ضرایب بتا



ماخذ: یافته های پژوهش

اینک پس از بدست آمدن ضرایب بتا می توان تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای وابسته را محاسبه نمود .

جدول شماره (۳): مجموع تاثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم
افزایش مشارکت مردم <input type="checkbox"/>	۰.۶۰۲	۰.۰۸۹۶	۰.۶۹۱۶
تقویت اعتماد و همبستگی بین مردم و مسئولان <input type="checkbox"/>	-۰.۰۷۹	۰.۰۰۷۵	۰.۰۷۸۲
تمرکز زدایی از تصمیم گیری <input type="checkbox"/>	-۰.۰۳۰	۰.۰۶۳	۰.۰۳۳
توزیع قدرت <input type="checkbox"/>	۰.۱۶۰	-۰.۰۵۴	۰.۱۰۶
ایجاد یکپارچگی در اداره شهر <input type="checkbox"/>	۰.۷۷	۰.۰۳۵	۰.۸۰۵
خدمات رسانی مطلوب تر و سریع تر <input type="checkbox"/>	۰.۴۸۰	۰.۰۵۳	۰.۵۳۳
توسعه کالبدی فیزیکی شهر <input type="checkbox"/>	۰.۱۲	۰.۰۴۸	۰.۱۶۸
کاهش هزینه های شهرداری	۰.۳۲	۰.۰۰۱۵	۰.۰۳۳۵
افزایش فرصت های سرمایه گذار <input type="checkbox"/>	-۰.۰۱۶	۰.۲۲۵	۰.۲۱۲
مدیریت محلی <input type="checkbox"/>	-۰.۱۴۳	۰.۰۹۴	۰.۰۴۹

ماخذ: یافته های تحقیق

همانطوری که از این جدول برمی آید مقدار ضریب تعیین برابر می باشد یعنی درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی فوق تبیین می شود. از طریق R^2 می توان ضریب خطا یا مقدار e را نیز محاسبه کرد.

$$R^2 = 1 - e^2$$

$$0.988 = 1 - e^2$$

$$1 - 0.988 = 0.012$$

با محاسبه مقدار e می توان گفت که مدل علی بدست آمده تنها ۰.۰۱۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی کند.

جدول ۴ نشان دهنده میزان رابطه و تاثیرگذاری متغیر مدیریت محلی بر مدیریت بهینه شهری است. نتایج حاصل نشان می دهد مقدار آلفای بدست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ ($\alpha < 0.05$) می باشد و این بدین معناست که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تأثیر داشته است.

در تحلیل رگرسیون چند متغیره هرچه BETA بدست آمده بزرگتر و سطح معناداری کوچکتر باشد بدین معنی است که متغیر مستقل تأثیر زیادی بر متغیر وابسته دارد. با توجه به نتایج رگرسیونی بین دو متغیر که ($\text{sig} = 0.001$) و آلفا کوچکتر از ۰/۰۵ است و با توجه به مقدار R^2 (ضریب تعیین) می توان گفت که متغیر وابسته از متغیر مستقل تأثیر می پذیرد.

براساس ضریب تعیین، مدیریت محلی، ۹۹ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. ضریب بتا (۰.۹۸۷) نیز نشان دهنده ارتباط مستقیم دو متغیر مستقل و وابسته است. با توجه به تحلیل رگرسیون چند متغیره می‌توان نتیجه گرفت که با تشکیل مدیریت محلی، امکان تحقق مدیریت بهینه شهری نیز افزایش پیدا می‌کند.

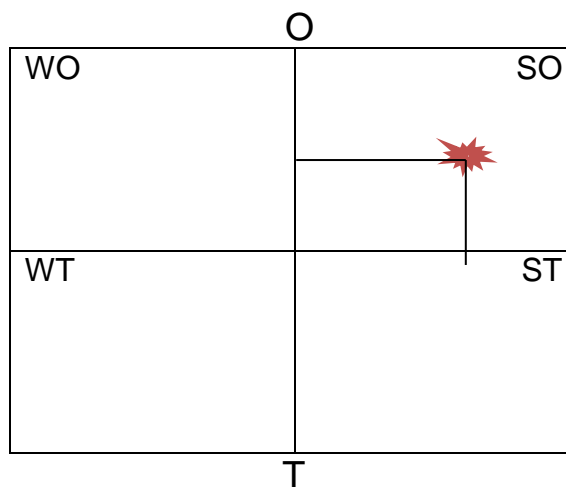
جدول شماره (۴): نتایج رگرسیون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	تعداد	ضریب استاندارد نشده (B)	ضریب استاندارد شده (BETA)	R	R^2	سطح معناداری
مدیریت محلی	مدیریت بهینه شهری	۱۰۰	۰.۰۴۱۱۵۰	۰.۹۸۷	۰.۹۹۴	۰.۹۸۸	.۰۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

ب) تبیین راهبرد مطلوب تحقق مدیریت بهینه شهری از طریق مدیریت محلی جهت آزمون تبیین راهبرد مطلوب تحقق مدیریت بهینه شهری از طریق مدیریت محلی از مدل SWOT استفاده شده است که ابتدا با توجه به مباحث نظری و نیز شناسایی منطقه مورد مطالعه و با استفاده از فرایند برنامه راهبردی نقاط ضعف و قوت و فرصتها و تهدیدها تعیین شدند. نتایج بدست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی از دیدگاه کارشناسان امتیاز موزون عوامل داخلی ۲.۵۱ و عوامل خارجی معادل ۲.۵۶ شده است. همانطور که از ماتریس زیر استنباط می‌گردد، راهبرد بدست آمده راهبرد تهاجمی یا (SO) است.

شکل شماره (۲): ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک



تهیه و ترسیم: مولفین

باتوجه به نتایج تحلیلی، استراتژی مناسب جهت ایجاد مدیریت بهینه شهری از طریق تشکیل مدیریت محلی در شهر کرده، به ترتیب الویت عبارتند از:

- ✓ بکارگیری اصول و معیارهای مدیریت محلی برای هدایت و برآوردن نیازها و مطالبات شهروندی
- ✓ توسعه محله محوری در برنامه های مدیریت شهری با کمک شورای شهر و جلب مشارکت شهروندان در تصمیم گیریها.
- ✓ بستر سازی طراحی الگوهای مشارکت و ارائه تسهیلات و مشوق های مناسب جهت جذب مشارکت و سرمایه گذاری.
- ✓ ارتقای رویکرد تعامل شفاف بین مردم و مدیریت شهری .
- ✓ یکپارچه سازی و همسوسازی شبکه بین سازمانی مدیریت شهری با رویکرد حکمرانی خوب
- ✓ ارتقاء آگاهی عمومی مردم نسبت به حقوق شهروندی و افزایش حس تعلق به محل زندگی .
- ✓ استفاده حداکثر از ظرفیت های علمی و پژوهش های موجود.

جدول شماره (۵): اولویت بندی استراتژی های داخلی و خارجی

رتبه نهایی	رتبه میانگین	نمره جذابیت خارجی	نمره جذابیت داخلی	شرح استراتژی	
۳	۳.۳۹	۳.۴۹	۳.۲۹	بستر سازی طراحی الگوهای مشارکت و ارائه تسهیلات و مشوق های مناسب جهت جذب مشارکت و سرمایه گذاری	So۱
۷	۳.۰۴	۳.۳۲	۲.۷۶	استفاده حداکثر از ظرفیت های علمی و پژوهش های موجود.	So۲
۶	۳.۱۷	۳.۳۱	۳.۰۳	ارتقاء آگاهی عمومی مردم نسبت به حقوق شهروندی و افزایش حس تعلق به محل زندگی	So۳
۴	۳.۲۵	۳.۰۵	۳.۰۲	ارتقای رویکرد تعامل شفاف بین مردم و مدیریت شهری	So۴
۲	۳.۴۲	۳.۳۸	۳.۴۶	ایجاد و توسعه محله محوری در برنامه های مدیریت شهری با کمک شورای شهر و جلب مشارکت شهروندان در تصمیم گیریها.	So۵
۵	۳.۲۷	۳.۰۲	۳.۳۵	یکپارچه سازی و همسوسازی شبکه بین سازمانی مدیریت شهری با رویکرد حکمرانی خوب.	So۶
۱	۳.۶۲	۳.۶۹	۳.۵۶	بکارگیری اصول و معیارهای مدیریت محلی برای هدایت و برآوردن نیازها و مطالبات شهروندی.	So۷

ماخذ: یافته های پژوهش

بحث و نتیجه گیری

مدیریت شهری به شکل سنتی باتوجه به پیچیده تر شدن مسائل و مشکلات شهری، جوابگوی مدیریت و اداره بهینه شهرها نمی باشد؛ به همین دلیل در سال های اخیر رویکرد های متعددی در حوزه مدیریت شهری به منظور عملکرد بهینه این مدیریت مطرح شده که از جمله مهمترین این رویکردها می توان به مدیریت محله اشاره کرد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد نهادها و تشکل های مردمی قادر هستند پل ارتباطی بین سازمان های دولتی و ساکنین شهرها و ارائه کننده خدمات شهری باشند؛ شکل گیری مدیریت محله می تواند در صورت فراهم شدن بستر مناسب برای این نهاد مردمی، به بهترین نحو به منزله پل ارتباطی بین شهروندان، ارگان های شهری سازمان های دولتی و فراهم کننده خدمات شهری باشد. چرا که مدیریت محله و محله محوری می تواند از یک طرف خلاء و شکاف بین نهادهای دولتی و شهروندان را پر کند و از طرف دیگر به منزله اجرایی ترین ابزار برای مشارکت شهروندان در اداره امور مربوط به خود باشد. نتایج حاصل از پرسشنامه تکمیل شده توسط کارشناسان نشان داد ایجاد مدیریت محلی می تواند در جهت داشتن مدیریت بهینه شهری در شهرکرد موثر واقع گردد. باتوجه به نتایج بعدی راهبرد ارائه شده حاصل از تحلیل SWOT راهبرد تهاجمی (SO) شناخته شد. پس مهم ترین الویت برای این راهبرد، بکار گیری اصول و معیارهای مدیریت محلی برای هدایت و برآوردن نیازها و مطالبات شهروندی عنوان شد. در مجموع باید گفت برای تحقق و ایجاد مدیریت بهینه شهری در شهرکرد تشکیل مدیریت محلی تاثیر مطلوبی خواهد داشت که برای دستیابی به این امر نیازمند حداکثر استفاده از فرصت ها با بکارگیری نقاط قوت سیستم است. بنابر این علاوه بر پیشنهادهایی که در قالب راهبرد در بالا ذکر گردید، باتوجه به وضعیت خاص مدیریت شهری در ایران، به طور کلی می توان پیشنهادهای زیر را نیز بر موارد گفته شده افزود:

- ارتقاء جایگاه شهرداری و واگذاری اختیارات گسترده تر به نهادهای محلی و به رسمیت شناختن آنها، هم از بار مسئولیت مراکز مادر کاست و هم به همان اندازه واگذاری اختیار نهادهای محلی توقع ارائه خدمات و حل مشکلات را داشت.

- تغییرات ساختاری نظام اداری و تصمیم گیری کشور از تراکم زدایی به سوی تمرکز زدایی .

- مدیریت کلان کشور معمولاً از در نظر داشتن مشارکت مردم و سهمیم بودن آنها در مدیریت و بها دادن به نهادهای محلی و مردمی صحبت می کنند، در حالی که در عمل نشان داده اند که به این موضوع معتقد نیستند. به عنوان مثال در حالی که در قانون اساسی، اصول ۶۰ تا ۱۰۶ درباره شورای اسلامی و امور مربوط به آن است، می بینیم که پس از آن قانونی تصویب می شود که تصمیمات شورا را باید فرمانداران تأیید نمایند، و یکی از اصول قانون اساسی کشور را نقض می کند. بنابراین در زمینه ی نهادهای محلی، اختیارات مناسب به این واحدها داده شود .

منابع و ماخذ

- ۱- افتخاری، رکن الدین؛ مهدوی، داوود (۱۳۸۵)، راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT دهستان لواسان کوچک، فصلنامه مدرس علوم انسانی دوره ۱۰ شماره ۲.
- ۲- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰) سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری سال دوم شماره ۲.
- ۳- آخوندی، عباس و همکاران، (۱۳۸۷) آسیب شناسی مدل اداره امور شهری در ایران، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳ صص ۱۳۵-۱۵۶.
- ۴- پوپر، کارل (۱۳۶۹) جاعه باز و دشمنان آن ترجمه علی اصغر مجتهدی، تهران شرکت سهامی انتشار.
- ۵- پیران، (۱۳۷۴) برنامه جامع آگاه سازی همگانی شهروندمداری، تهران دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۶- پیران، پیروز (۱۳۸۲) راهی جز افزایش مشارکت مردم نداریم، شهروندساختمان؛ سال اول شماره دوم و سوم.
- ۷- پیروز، پویا (۱۳۷۶) موانع توسعه ایران عوامل تاریخی اطلاعات سیاسی افتصادی شماره ۴۹-۵۰.
- ۸- جاجرمی، حسین، فیروزآبادی، سیداحمد، (۱۳۸۶) بررسی مدل های سنجش عملکرد مدیریت محلی با تاکید بر سازمان های مدیریت شهری و روستایی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی ماره ۳۲ زمستان ۸۶ صص ۹۱-۱۱۲.
- ۹- خورشیدی، علی رضا؛ فقیه هادی، عسگری؛ آزاد، محمود (۱۳۹۱) مدیریت محلی مطلوب در افق ۱۴۰۴، مجله راهبرد زمستان ۱۳۹۱ شماره ۶۵، صص ۳۷۰-۳۹۲.
- ۱۰- دادرسی، بیژن (۱۳۹۰) جزوه مدیریت شهری رشته جغرافیا. دانشگاه پیام نور تهران
- ۱۱- رهنما، محمدرحیم، مافی، عزت اله، اسدی، روح اله؛ (۱۳۸۹) تحلیل جایگاه حکمرانی خوب شهری در مشهدبا الگوی SWOT، جغرافیا و توسعه ناحیه ای پائیز و زمستان ۸۹ شماره ۱۵ صص ۱۹۷-۲۲۴.
- ۱۲- زیاری، کرامت اله، نیک پی، وحید، حسینی، علی (۱۳۹۱) سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری مطالعه موردی شهر یاسوج، مسکن و محیط روستا شماره ۱۴۱ بهار ۹۲ صص ۶۹-۸۶.
- ۱۳- کریمی، وهاب (۱۳۸۷) هویت شوراهای محلی پژوهشکده ی تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام تهران.
- ۱۴- کریمی، وهاب، (۱۳۸۱) مدیریت شهری و بررسی الگوهای شناخته شده شوراهای محلی در جهان.
- ۱۵- لاله پور، م (۱۳۸۶)، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، جستارهای شهرسازی شماره نوزدهم و بیستم صفحه ۷۰
- ۱۶- لطیفی، غلامرضا (۱۳۷۸) مدیریت شهری؛ تهران انتشارات موسسه فرهنگی، اطلاع رسانی مطبوعاتی.

- ۱۷- مشهدی ، زهرا سادات، سجادی، دکتر ژیلا، شاه حسینی ،دکتر پروانه بررسی وضعیت مشارکت مردم در مدیریت شهری با رویکرد محله محوری مطالعه موردی محله شکیب منطقه ۱۴ تهران (۱۳۹۰) فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا صص ۱۶۷-۱۸۹.
- ۱۸- موسوی کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۸۰)، توسعه پایدار شهری، مفاهیم و دیدگاه ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی نشر تهران شماره ۱۶.

- 19- Rose، Trentm.2006 measuring civic engage meut in Idao falls(Dissertatiou).Idaho state university.
- 20- Rusmarsidik و T2000، models of urban covnerance for bandung metvopolitan Avea in In donesia.center for developing cities.www.cities.canbera.Edu.Au.
- 21- Giddens و Anthony.2006.sociology.fifthEdition.cambridge polity press.
- 22- smith و Ronalds.2006.Discerning differences in social capital.The significance of interpersonal networks and neighborhood associationstructure of citizeh participation(pissertation)Indiana university.
- 23- UN.2000.GOvernace.participationd partnerships.un.org